

نگاهی به تلاش‌های مسلمانان هند و یمن برای پیگیری مسئله بقیع (۱۹۳۰-۱۹۵۲)

محمدسعیدنجاتی^۱

چکیده

در این مقاله پس از معرفی مجموعه اسناد جدید درباره مکاتبات انجمن تحفظ بر مآثر متبرکه هند و حزب احرار حجاز و هیئت اداریه در شمال یمن، به محتوای این اسناد و تلاش این دو جریان برای پیگیری مسئله بقیع می‌پردازیم. این تلاش از سوی مجاهدان یمن با جنگ و نیروی نظامی برابر رژیم وهابی سعودی و مطالبه بی‌طرفی انگلستان در این نبرد و از سوی جمعیت شیعیان هند با مکاتبه و مذاکره با نایب السلطنه وقت انگلستان در هند و وعده تأمین هزینه‌های بازسازی و نصب مجسمه وی در مکه و نامه‌نگاری با رضاشاه برای جلب نظر انگلستان برای اعطای مجوز بازسازی و آزادی عمل به شیعیان در حرمین و نیز مکاتبه برای مطالبه بی‌طرفی انگلستان در درگیری‌های میان مبارزان یمنی شمال یمن با آل سعود بروز یافته است.

این مقاله به صورت نقلی - تحلیلی و براساس روش تاریخی نگاشته شده است و در ارائه و معرفی اسناد جدید در این موضوع نوآوری دارد.

۱. دکترای تاریخ اسلام، عضو گروه تاریخ و سیره پژوهشکده حج و زیارت، (مدیر واحد بقیع پژوهشی پژوهشکده حج و زیارت)
nejati13@gmail.com

کلیدواژه‌ها:

تخریب بقیع، بازسازی بقیع، هیئت شورای ادریسی، حزب احرار حجاز، جنگ یمن، انجمن تحفظ برماثر متبرکه هند، انگلستان و مسئله بقیع

مقدمه

پس از دومین تخریب بقاع متبرک در حرمین شریفین و بقیع شریف از سوی وهابیت (۱۳۴۴ق/ ۱۹۲۵م) موج شدیدی از واکنش‌های اعتراض‌آمیز به این جنایات و تخریب‌ها در جهان اسلام شکل گرفت موج‌هایی که از عمق و گستردگی بسیاری برخوردار بود و تا زمانی طولانی استمرار داشت.

یکی از این موج‌ها در هندوستان با پیش‌گامی و اقدامات جنبش خلافت مسلمانان هند با پخش شدن شایعه تخریب و خبر تسلط قریب الوقوع و دوباره وهابیان بر حجاز شکل گرفت. این سرعت عمل ناشی از نگرانی نسبت به اقدامات وهابیان بود که قریب صدسال سابقه داشت و پیش‌تر در سال ۱۲۲۱ قمری با جنایات فراوانی، از جمله تخریب بقعه‌های بزرگان مذاهب اسلامی، رخ داده بود.

این موج در ایران و عراق نیز پیش از تخریب آغاز شد و افزون بر اعتراضات خیابانی و بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های فراوان و اعلام عزای عمومی و تعطیلی و راه‌اندازی عزاداری و... هیئت دفاع از حرمین و کمیسیون حرمین در مجلس تشکیل دادند و از سوی دربار نماینده رسمی به حجاز رفت. می‌توان به این موارد، و عامل «اطلاع‌رسانی فرانسویان» و سابقه جنایت وهابیان در تخریب اول هم افزود.

مجموعه اسناد حاضر، که در دو بخش اسناد دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۳۵ میلادی به زبان انگلیسی تنظیم شده، نشان‌دهنده گوشه‌ای از این تلاش‌ها و اقدام‌ها در هند و شمال

یمن است که با فاصله پنج سال از یکدیگر رخ داده است.

این مجموعه در جست وجوهای اینترنتی و به صورت آزاد در سایت قرار داشت که پس از ترجمه آن به عنوان سومین مجموعه اسناد تخریب بقیع و به مناسبت همایش ملی (بقیع، پیوند دهنده مذاهب) رونمایی شد.

شکل گیری انجمن تحفظ بر مآثر حرمین (حفاظت از آثار حرمین) میان شیعیان هند و تلاش های این انجمن در راه بازسازی حرمین شریفین و مکاتبه با نایب السلطنه انگلستان در هند و... از جمله اقداماتی است که در اسناد حاضر به آن اشاره شده است.

به نظر می رسد تغییر رویکرد جنبش خلافت هند و به رسمیت شناختن دولت سعودی باعث اصلی پیگیری مستقیم این انجمن شده است. البته بررسی دیگر عوامل مجالی دیگر را می طلبد.

این انجمن طی نامه ای در آوریل ۱۹۳۰ میلادی به نایب السلطنه وقت انگلستان در هند (ادوارد لیندلی وود) از رفتارهای توهین آمیز و وحشیانه وهابیان مسلط بر حرمین نسبت به زائران اماکن مقدسه شکایت کرده و خواستار مداخله سیاسی و دیپلماتیک انگلستان برای جلوگیری از وهابیان در تکرار رفتارهای خشن خود از جمله هتک حرمت قبور متبرکه پیشوایان مسلمانان و... می شوند.

از اولین نکاتی که در این نامه مطرح شده موضوع هتک حرمت اماکن مقدس و بازسازی جنت البقیع است که به پندار نویسندگان نامه، مصالح آن در اماکن ناپاک و آلوده انداخته شده است. (نجاتی، ۱۴۰۱، ص ۲۵)

متن این نامه که در بهار ۱۹۳۰ میلادی با احترام بسیار به نایب السلطنه انگلستان در هند نوشته شده به قرار زیر است:

ما اعضای انجمن «تحفظ مآثر متبرکه»،^۱ کنفرانس شیعیان سراسر هند^۲ و لکهنو،^۳ از جناب عالی اجازه می‌خواهیم که در مورد نارضایتی‌های طولانی مدت شیعیان در رابطه با مسئله حجاز اظهاریه‌ای تنظیم کنیم.

۱. جناب عالی مستحضرید که از زمان روی کار آمدن دولت ابن سعود در حجاز که از سوی جماعت زیادی از فرقه مسلمانان بنیادگرا،^۴ موسوم به وهابی یا اهل حدیث، پشتیبانی می‌شود احساسات مذهبی مسلمانان سایر مذاهب عمداً و پیوسته پای مال شده و باورهای اعتقادی وهابی از طریق قتل عام‌های گسترده و خون‌سردانه آنها، مصادره اموال و بستن عبادتگاه‌هایشان، بارگاه‌های ائمه،^۵ مساجد، هتک حرمت قبور متبرکه پیشوایان دینی و چندین مکان مقدس زیارتی دیگر، ممنوعیت ادای احترام به اماکن مقدس اعتقادی ایشان و جریمه و مجازات انجام مناسک دینی در ارتباط با زیارت آن مکان‌ها بر مخالفان تحمیل شده است. این اعمال وحشیانه و غیر انسانی طبیعتاً احساس خشم و انزجار شدید جهانی را در سراسر جهان اسلام برانگیخته است، اما احساسات مسلمانان هند، به‌ویژه شیعیان تمام نقاط هند در این مورد بسیار بالا بوده است. فقیر و غنی، علما و غیر علما، دهقانان و زمین‌داران، محافظه‌کاران و میانه‌روها همه بدون استثنا صدای فریاد خود را بلند کردند و انزجار خود را در حجاز و نسبت به تخریب قبور مطهر ائمه و پیشوایان دین ابراز کردند.

1. Tahaffuz -i -Ma'asar Mutabarrikah

2. All India Shia Conference

3. Lucknow

4. Puritan

5. Imambaras

۲. اینکه آنها «کنفرانس حجاز سراسر هند»^۱ را در سال ۱۹۲۶ میلادی در لکهنو^۲ با حضور نمایندگان تمام اقشار مسلمانان و علمای تمام مذاهب اسلامی تشکیل دادند، جلساتی عمدتاً پرجمعیت در تمام نقاط هند برگزار کردند، چندین انجمن راه‌اندازی کردند تا برنامه عملی برای اثبات تظلم‌های خود در حجاز ارائه کنند، گروهی از داوطلبان فداکار موسوم به «رضاکار»^۳ جنت البقیع^۴ و «خادم الحرمین»^۵ را سازماندهی کردند تا هرگونه تجاوز به آزادی‌های مذهبی ایشان در آینده را بررسی کنند و خطاهای گذشته را جبران کنند، علم‌ها و دیگر دسته‌های عزاداری را برای بزرگداشت وقایع حزن‌انگیز حجاز، به ویژه جنت البقیع،^۶ برپا کردند و سرانجام یک برنامه ایثار و فداکاری برای جمع‌آوری وجوه، برای بازسازی عتبات عالیات به شکل سابق خود و جلوگیری از ارتکاب این‌گونه خطاها در آینده تنظیم و اتخاذ کردند.

۳. ما متواضعانه و با جرئت اعلام می‌کنیم که اولین فراخوان برای ثبت نام «داوطلبان جنت البقیع» تا حد زیادی از سوی شیعیان تمام نقاط هند؛ از جمله بلوچستان و استان‌های مرزی صوبه سرحد، پاسخ داده شد. استان‌هایی که در آنها هزاران داوطلب برای دفاع از آزادی مذهبی خود نام‌نویسی کردند و اگر انجمن ما به اندازه کافی احتیاط نمی‌کرد تا یک برنامه

1. All India Hejaz Conference

2. Lucknow

۳. «رضا کار» در زبان اردو به معنی «داوطلب» است. دکتر عبدی

4. Reizakar-i-Jannatul Baqie

5. Khademul Haramain

6. Jannatul-Baqie

عملی منظم و اساسی برای رفع توهین عمدی به اعتقاد آنها پیش نویس کند، ممکن بود احساسات مذهبی آنها از حد و مرز حرکت های منطقی و مسالمت آمیز فراتر رود. اما از آنجایی که ما همیشه به صداقت و عدالت دولت بریتانیا و علاقه آن به درستکاری و مدارا با اعتقادات مذهبی، اعتماد بی چون و چرا داشته ایم، به دولت بریتانیا به عنوان ناجی خود نگاه کردیم و مداخله آن را از طریق قطعنامه های تصویب شده در جلسات سالانه علنی کنفرانس های شیعیان هند که در امروهه،^۱ پتنه،^۲ کلکته^۳ و سکهر^۴ برگزار شدند، درخواست کردیم و با این روحیه اعتماد متقابل است که امروز به عالی جناب مراجعه می کنیم.

۴. مانمی توانیم در این اظهاریه به جزئیات همه شکایت ها علیه فعالیت های خصمانه دولت ابن سعود بپردازیم، اما می توان آنها را براساس اولویت به بخش های زیر تقسیم کرد:

الف) هتک حرمت و تخریب اماکن مقدسی مانند مولد نبی^۵ (محل تولد پیامبر اکرم ﷺ)، جنت المعلى^۶ (قبرستان بنی هاشم در مکه)، جنت البقیع^۷ (قبرستان مقدس محل دفن پیکرهای یگانه دختر پیامبر، حضرت فاطمه،

1. Amroha

2. Patna

3. Calcutta

4. Sukkur

5. Moulad-i-Nabi

6. Jannutul-mualla

7. Jannutul-Baqie

حضرت حسن، نوۀ پیامبر و امام دوم شیعیان، حضرت زین العابدین امام چهارم، حضرت محمد باقر امام پنجم، عثمان خلیفۀ سوم و سایر بستگان و اصحاب (یاران راستین پیامبر ﷺ) و استفاده از مصالح آنها که دارای کتیبه‌های مقدس است در مکان‌های کثیف و ناپاک.

ب) جلوگیری از زیارت این اماکن متبرکۀ مخروبه و قرائت فاتحه (طلب آمرزش برای روح پیکر مقدس)، زیارت (خطاب قراردادن مقدسین و احترام گذاشتن به ایشان)، در آغوش گرفتن و بوسیدن قبور مطهر.

ج) تخریب عبادتگاه‌ها؛ مانند مسجد حمزه ابورشید^۱ و سایر بارگاه‌های ائمه و اشغال اجباری آنها و اماکن آنها توسط سعودی‌ها.

د) مداخله در انجام مناسک عرفی در مواقع زیارت.

ه) اجبار غیروهابیان به دنباله‌روی از شعائر و احکام عقاید وهابی و وادارکردن آنان به پیروی از پیشوایان مذهبی وهابی.

و) بدرفتاری، آزار، کشتار و تبعید سادات طائف، مدینه، احسا و قطیف.^۲

ز) از میان همه حوادث نفرت‌انگیز، هتک حرمت جنت البقیع^۳ باعث ناراحتی و اندوه فراوان در اذهان شیعیان شده و آنان را برای حفاظت از قبر مطهر پیامبر و سایر ائمه و دفاع از آنها در برابری مهری در آینده وکیل قرار داده است.

ح) از این رو ما از عالی جناب استدعا داریم که ضمن رساندن صدای ناله و

1. Hamza Abu Rashid

2. Qatif

3. Jannatul -Baqie

زاری بی وقفه بیست میلیون نفر از شیعیان هند به دولت داخلی از راه مداخله و نفوذ دیپلماتیک، دولت پادشاهی را در رابطه با ضرورت جبران زودهنگام تظلم‌های ما متقاعد کنند. شیعیان خواهان احیای این اماکن مقدس عبادتی و زیارتی و آزادی مذهبی و آزادی عبادت ایشان هستند؛ حتی اگر هزینه بازسازی آنها از منابع مالی ایشان پرداخت شود و بهای آزادی مذهبی ایشان، جان‌هایشان باشد! حتی شیعیان هندوستان حاضرند از جان و مال بابت بازسازی مقامات مقدسه هزینه کنند.

امضاکننده این نامه سیدمصطفی رضا است که خود را وکیل دادگستری، دبیرکل افتخاری کنفرانس شیعیان سراسر هند و^۱ لکهنو^۲ معرفی کرده و با جمله «فرمانبردارترین و وفادارترین خدمتگزاران عالی جناب» نامه را به پایان می‌رساند.

این نامه ادعای جامع درباره جنایات و هابیت در حرمین شریفین است و مطالبه بازسازی بقیع، به عنوان یکی از موارد مهم آن درج شده است.

جالب است که این شخص به وسیله منشی مخصوص فرماندار ایلالت اترپردیش یادداشتی را پس از این نامه می‌نویسند که در آن تقبل کرده بود تا بازسازی بقیع و اماکن مقدس تخریب شده در حرمین را با پرداخت صدها روپیه و زیر نظر شورای مهندسان بریتانیایی به عهده بگیرد. حتی وعده داده بود که به نشانه قدرشناسی مجسمه لرد اروین را در مکه قرار دهد (نجاتی، ۱۴۰۱، ص ۲۸).

بدین وسیله اجازه می‌خواهم از طرف هیئتی که تحت نظر ما برای مراقبت از اماکن مقدس مسلمانان در حجاز تشکیل شده است، اگر جناب نایب السلطنه

1. All India Shia Conference

2. Lucknow

تمایل داشته باشند که کمی علاقه به ما نشان دهند و اجازه بازسازی بقاع ما در آنجا را بگیرند، ما می‌توانیم پرداخت صدهزار روپیه را تقبل کنیم و ساخت و ساز می‌تواند زیر نظر شورای مهندسان بریتانیایی انجام شود و ما به نشانه قدرشناسی، که تا ابد باقی خواهد یافت، مجسمه بزرگ عالی جناب لرد ایروین را در مکه قرار خواهیم داد. از جناب عالی استدعا دارم که این مطلب را به عرض عالی جناب برسانید.»

انگلستان یک ماه بعد در نامه‌ای به استناد سیاست قطعی عدم مداخله در مسائل دینی و امن مقدس اسلام از این درخواست امتناع کرد.

دستاویز نایب السلطنه انگلیس برای بی‌اعتنایی به خواست شیعیان هند برای رعایت حقوق بدیهی زیارت در حرمین، سیاست اعلام شده آقای مک دونالد در اول اکتبر ۱۹۲۴ میلادی در مجلس عوام درباره امور حجاز و نجد بود که در آن هرگونه دخالت انگلستان درباره امور دینی مسلمانان در حرمین را به عنوان یک سیاست قطعی منع می‌کرد. این در حالی است که تاریخ این مکاتبات شش سال پس از این قطعنامه و پس از پایان جنگ جهانی اول بود.

متن پاسخ انگلستان: مورخ ۸ می ۱۹۳۰ میلادی

از طرف منشی مخصوص به عالی جناب نایب السلطنه، به دبیرکل افتخاری کنفرانس شیعیان سراسر هند،^۱ لکهنو:^۲

عالی جناب از اینجانب خواسته‌اند در رابطه با مسئله حجاز به یادبود ارسالی جناب عالی مورخ اول آوریل ۱۹۳۰ میلادی از طرف کنفرانس شیعیان سراسر

1. All-India Shia Conference

2. Lucknow

هند، لکهنو، مراجعه کنم. عالی جناب اظهاریه جناب عالی را با دقت بررسی کرده اند، اما بسیار متأسف هستند که طبق سیاست قطعی و استوار دولت اعلیحضرت مبنی بر بی طرفی در مسائل دینی و عدم مداخله در اماکن مقدس اسلام، انجام اقدامات به روش پیشنهادی جناب عالی برای ایشان امکان پذیر نیست. (نجاتی، ۱۴۰۱، ص ۳۰)

خواهیم دید که این سیاست در حمایت از آل سعود کاربردی ندارد و از سوی انگلستان فراموش می شود.

انجمن تحفظ برماثر، که خود را ناتوان تراز اقناع نایب السلطنه انگلستان می بیند، دو ماه پس از تنظیم اولین نامه تلاش می کند که دست به دامن رضاخان شود و ضمن تنظیم نامه ای برای رضاخان از نایب السلطنه هند می خواهد که تقاضا نامه آنان را به شاه ایران برساند. (نجاتی، ۱۴۰۱، ص ۳۳) در این نامه نیز آنان با احترام و تملق فراوان از شاه ایران می خواهند تا نسبت به بازسازی بقیع و دیگر بقاع حرمین و آزادی بخشی به زائران حرمین وزارت خارجه انگلستان را قانع کند، متن این نامه به شرح زیر است:

از دبیرکل افتخاری، کنفرانس شیعیان سراسر هند، لکهنو

به اعلیحضرت عالی مقام رضاشاه پهلوی، شاه ایران

مورخه ۲۴ می ۱۹۳۰ میلادی

امید آنکه سبب خشنودی اعلیحضرت شود، بدین وسیله اجازه می خواهم کپی اظهاریه ارائه شده اینجانب به عالی جناب لرد ایروین، محبوب ترین نایب السلطنه ما در هند، که احترام ویژه ای برای مسلمانان به طور عام و شیعیان به طور خاص قائل است، ارسال کنم. اطمینان دارم که اعلیحضرت به اندازه ما، شاید هم بیشتر، به اماکن مقدس ما علاقه دارند. اسلام به خاطر

تمام خدمات اعلیحضرت به مسلمانان به طور عام و کشور خود به طور خاص رهین منت شماست و نام اعلیحضرت به عنوان بزرگترین پادشاهی که اسلام را از خطر انحطاط و نابودی نجات داد، در تاریخ ثبت خواهد شد.

سپاسگزار خواهیم شد اگر اعلیحضرت با درخواست از وزارت خارجه متبوعشان برای همکاری با وزارت خارجه بریتانیا در کسب مجوز از دولت حجاز ملک ابن سعود برای بازسازی بقاع متبرکه ما که در یادداشت پیوست اشاره شده است و همچنین در رفع سایر تظلم ها، یک اعتبار دیگر بر دستاوردهایشان بیفزایند. ما علاقه و احترام زیادی برای اعلیحضرت قائلیم و من اطمینان دارم که اعلیحضرت ما را ناامید نخواهند کرد.

ما صمیمانه از درگاه خداوند سلامت و شادکامی اعلیحضرت و طول بقای سلطنت شما را مسئلت داریم.

تکمله: اگر حضرتعالی پیش تر با دولت حجاز گفت و گو نموده اید، ما هم محترمانه اطلاع می دهیم که در بازسازی مقامات مقدسه حاضریم سهمیم شویم.

به امضای سیدمصطفی رضا. وکیل، سکرتري کل افتخاری کنفرانس شیعیان سراسر هندوستان، لکهنو

وکیل دادگستری، دبیر کل افتخاری، کنفرانس شیعیان سراسر هند، لکهنو. پی نوشت: اگر اعلیحضرت قبلاً موافقت دولت حجاز را جلب کرده اند، با کمال احترام استدعا داریم به ما نیز اجازه داده شود در ساخت بقاع متبرکه خود مشارکت داشته باشیم.

امضا: سیدمصطفی رضا (همان، ص ۳۴)

ولی نایب السلطنه انگلیس حتی رساندن نامه به رضاخان را نیز نوعی مداخله می‌داند و از آن سرباز می‌زند (همان، ص ۳۶)

با این شرایط است که این جمعیت نامه‌ای به صورت مستقیم برای رضاخان می‌فرستند و البته رونوشتی از آن را در اختیار نایب السلطنه انگلستان قرار می‌دهند.

از دبیرکل افتخاری، کنفرانس شیعیان سراسر هند،^۱ لکهنو^۲

به اعلیحضرت رضا شاه پهلوی، شاه ایران، تهران

مورخه ۳۱ می ۱۹۳۰ میلادی

امید آنکه سبب خشنودی اعلیحضرت شود.

بدین وسیله کپی اظهاریه‌ای را که اینجانب قبلاً به عالی جناب لرد ایروین،^۳ نایب السلطنه محبوب و گرامی مان، ارائه کرده‌ام، ارسال می‌کنم.

ما از آزارها و ظلم‌هایی که از سوی ملک بن سعود در حجاز در حق ما روا داشته شده و در اظهاریه نیز بدان‌ها اشاره شده است، در رنج و عذابیم. شیعیان پس از قرن‌ها آزار و اذیت، که موضوعی تاریخی است، به هند پناه آورده‌اند. دولت بریتانیا در اینجا یک دولت قوی ایجاد کرده است که به مردم آرامش و رفاه بخشیده است. مهم‌تر از همه او به ما آزادی مذهبی داده است و ما می‌توانیم امور دینی مان را مطابق میل خود انجام دهیم و تبلیغ کنیم. پیش از این هرگز در تاریخ اسلام شیعیان از چنین آزادی ایمانی از

1. All India Shia Conference

2. Lucknow

3. Irwin

سوی یک قدرت غیر شیعه برخوردار نبودند. ما هیچ ترسی از قتل عام شدن نداریم؛ تنها به این دلیل که از نوادگان حضرت علی (علیه السلام) هستیم.

عالی جناب لرد ایروین با محبت و احترام زیادی نسبت به ما رفتار می کند و ما نیز به ایشان علاقه و اعتماد زیادی داریم. ایشان زحمت نوشتن نامه به اعلیحضرت و جابه جایی وزارت خارجه انگلیس را برای ما می کشند. من اطمینان دارم اعلیحضرت، که خود از زمره شیعیان هستید، به اندازه ما شاید هم بیشتر به حضرت فاطمه، حضرت امام حسن و حضرت زین العابدین و دیگرانی که می خواهیم بقاعشان را برپا کنیم محبت دارید و من اطمینان دارم که اعلیحضرت هم به اندازه ما نگران رفع تظلم های ما در حجاز هستید. شیعیان هند از اعلیحضرت بسیار سپاسگزار خواهند بود، اگر دستور دهید که وزارت خارجه متبوع شما با دولت عالی جناب لرد ایروین و دولت انگلیس در تأمین خواسته ها و رفع تظلم های ما در حجاز همکاری کنند. شنیده ام که اعلیحضرت از مدت ها قبل با حکومت حجاز در ارتباط هستند و زمانی که اعلیحضرت با ملک بن سعود ملاقات کردند این موضوع نیز مطرح شد و تفاهماتی حاصل شده است. اگر این حقیقت داشته باشد، عرض می کنم که شیعیان هند به اندازه هر کس دیگری حق دارند که بقعه جدّه خود حضرت فاطمه (علیها السلام) را برپا کنند و اعلیحضرت احتمالاً تمایل خواهند داشت که به ما اجازه دهند به کار بازسازی این بقعه و دیگر بقاع پیوندیم و در برکات آن حضرت شریک شویم.

اطمینان دارم اعلیحضرت از شنیدن اینکه شیعیان هند خوشحال و سعادتمند هستند و دولت بریتانیا برای آنها آرامش و امنیت فراهم کرده است، خرسند خواهند شد و احتمالاً اعلیحضرت تمایل داشته باشند که

خود شخصاً از لرد ایروین به خاطر تمام لطف‌های ایشان به ما تشکر کنند.
با نهایت احترام و آرزوی طول عمر و بهروزی برای اعلیحضرت. با احترامات
فائده و دعاگویی برای بقای سلطنت شما.

التماس می‌کنیم و غیره^۱

امضاء: سید مصطفی رضا

وکیل دادگستری، دبیر کل افتخاری، کنفرانس شیعیان سراسر هند،^۲ لکهنو^۳
(هند). (همان، ص ۳۴)

همان‌طور که از دقت در این نامه روشن می‌شود، شیعیان هند در نامه مستقیم
به رضاخان به امید جنباندن غیرت تشیع وی و امیدی که به تلاش‌های رضاخان
دارند، تأکید بیشتری کرده‌اند. این تقاضا نیز مانند نامه‌ای که در سال ۱۳۰۵ قمری
به دربار رضاخان فرستاده بودند شد که تنها به تقدیر از این واکنش و امیدواری دادن
صرف بسنده کرده بود. (احمدی، ص ۴۹)

در اینجا قسمت اول اسناد که مربوط به ۱۹۳۰ میلادی است به پایان می‌رسد.
دسته دوم این اسناد مربوط به ۱۹۳۵ میلادی است که در جنوب عربستان دو
جریان متحد به نام‌های «شورای مشورتی اداره» و «حزب احرار حجاز» در این زمینه
اقداماتی انجام دادند؛ همچنین بیان ارتباطی است که با جریان شیعیان هند گرفتند.
در این دوره دو جریان حزب احرار حجاز سامان گرفته بود. هدف این دو جریان

1. We beg etc.

2. All-India Shia Conference

3. Lucknow

عبارت بود از: دفاع از جمهوری عربی و حکومت بربادرفته شریف حسین و پسرش (شریف علی) و سرنگون کردن آل سعود با حمایت‌های ملک اردن و خاندان‌های پیرامونی شریف حسین. (ابراهیم فاعور الشریعة، ۱۹۳۵-۱۹۲۸م)

جریان اداره در جنوب عربستان و شمال یمن ضد آل سعود جبهه متحدی را شکل داد. این اتحاد با همکاری حکومت اداره عسیر و حزب احرار حجاز، که هردو از سوی ملک عبدالله (پادشاه اردن) و یکی از فرزندان شریف حسین حمایت می‌شدند، شکل گرفت. در مکاتبات و بیانیه مشترکی که در شعبان ۱۳۵۱ قمری (۱۹۳۲م) از این دو گروه منتشر شد، نجات کعبه و رسول الله، خاتمه دادن به جنایات وهابی‌ان، ریشه‌کن کردن نفوذ بیگانه و حکومت وهابی حجاز و حفظ اماکن مقدس از هتک حرمت از جمله اهداف این تشکیل اعلام شده است. (نجاتی، ۱۴۰۱، ص ۴۵) آنان طی اعلامیه‌ای مشترک از همه مسلمانان برای ریشه‌کن کردن آل سعود و خطر وهابیت یاری طلبیدند.

متن این فراخوان از این قرار است:

ترجمه فراخوان صادر شده به زبان عربی از جانب «هیئت الشورای ادیسی حجاز»^۱
 خطاب به مسلمانان سراسر دنیا

برادران مسلمان، کعبه و قبر پیامبران را از دستان مستبد وهابی‌ان خوارج نجات بدهید. رفتار ظالمانه و وحشیانه‌ای که بر سران ادیسی^۲ و مجاهدین احرار حجاز روا داشته شده، آنها را بر آن داشته است تا بر ضد وهابی‌هایی قیام کنند که مردان، زنان و کودکان را فارغ از سن و سال به قتل رساندند،

1. Haiat ul Shoorat I Idreesia ul Shoorat I Idreesia ul Hijazia

2. Idaresa

خانه‌هایشان را ویران کردند، درختان را قطع کردند و محصولات آنها را از بین بردند؛ به دلیل همین جنایات، مجاهدین اکنون مصمم به فداکاری در راه احقاق حقوقشان هستند. آنها اعتقاد راسخ دارند که رنج‌هایشان در این رابطه موجبات رضایت خداوند را فراهم خواهد کرد و پاداش او را در پی خواهد داشت. آنها این سختی‌ها را با خوشحالی و صبورانه به جان می‌خرند تا آرامش را برای مهد اسلام به ارمغان بیاورند. اما [در این میان] آنچه مجاهدین عسیر^۱ و حجاز را آزرده خاطر و تحریک کرده است، دخالت قدرت‌های خارجی است! کمک به وهابی‌ها به منزله خوار و خفیف کردن اسلام و نابودی اعراب است. هواپیماهای بریتانیایی بر فراز مرکز جهاد پرواز کردند، به وهابی‌ها کمک کردند و صدمات زیادی به مجاهدین وارد کردند. اعتراض به این موضوع قبلاً از طریق فرماندار عدن به دولت بریتانیا تسلیم شده است و یک نسخه از آن ضمیمه شده است.

دولت بریتانیا و دیگر قدرت‌های خارجی مطلقاً حق دخالت در امور داخلی این کشور را ندارند. ما این [موضوع] را در بیانیه مورخ ۲۰ و ۲۱ رجب ۱۳۵۱ قمری به صراحت بیان کرده‌ایم. دولت بریتانیا به همین مقدار بسنده نکرد و به نیروهای وهابی اجازه استفاده از هواپیماهای خود را داد. دولت حجاز اخیراً یک صد هزار پوند از دولت بریتانیا برای سرکوب مجاهدین قرض گرفته است. این پول با اسکورت آقای فیلیبی^۲ و حافظ وهبه^۳ از لندن به ریاض

1. Aseer

2. Philby

3. Hafiz Wahba

رسید. دولت بریتانیا در ازای آن کنترل کامل منابع مالی دولت حجاز را به دست گرفته است و فیلپی را به عنوان نماینده خود منصوب کرده است. فیلپی، که خود را مسلمان نشان می دهد، یک دروغگو است. در واقع او رئیس وهابی ها و جاسوس بریتانیا است.

برادران مسلمان، اینها حقایقی است که برای بررسی در برابر [دیدگان] شما قرار داده شده است. ما می خواهیم بدانیم که مسلمانان تا کی قرار است این رفتار غیر مذهبی و بی شرمانه را تحمل کنند. وقتی یک هندو با موسیقی از کنار مسجد شما رد می شود، حس تحریک پذیری شما هیچ حد و مرزی نمی شناسد. اما اینجا اساس دین شما در اماکن مقدس متزلزل می شود و شما ساکت نشسته اید! قلب پیغمبر خون می گیرد و شما هنوز خوابید! اکنون که حقایق بر شما آشکار شده است، آیا همچنان ساکت خواهید ماند؟ اگر شما در این خصوص آشفته حال و تحریک نشوید، باید در برابر خدا و پیامبرش پاسخگو باشید.

تا کی به این زندگی خفت بار ادامه خواهید داد؟ تا کی اهانت به قبر پیامبر و کعبه و اسلام را تحمل خواهید کرد؟ این وظیفه شماست که به ریشه کن کردن نفوذ بیگانه و حکومت وهابی از حجاز مقدس اقدام کنید. این وظیفه جهان اسلام است که اماکن مقدس را از چنگ حکومت بی شرم کنونی آزاد کند. بنابراین ما احرار حجاز و رؤسای [قبیله] ادرسیه پس از بررسی همه جوانب به نام اسلام و اعراب، جهاد را اعلام می کنیم تا مقامات مقدسه را از توهین نجات دهیم. احرار حجاز آماده اند تا همه چیز خود را فدای این امر کنند. به فضل الهی در چندین نوبت تلاش آنها توأم با موفقیت بوده است و آنها برای رسیدن به هدف خود سنگ تمام می گذارند؛ چنان که در بیانیه های صادره

از سوی «هیئت» هم مکرراً به این مسئله اشاره شده است. امیدواریم جهان اسلام با آگاهی از اینکه در چندین نقطه بین حجاز و نجد، نبردهایی برای بیرون راندن این مردم کثیف از حرمین (مکه و مدینه) در جریان است، برای همیشه خوشحال شود و دور نیست زمانی که ما به یک پیروزی کامل دست یابیم؛ یک پیروزی کامل.

تنها درخواست ما از جهان اسلام این است که به هر طریق ممکن به مجاهدین یاری رسانند تا بتوانند وهابی ها را از حجاز بیرون برانند.

مسلمانان، امروز روز محاکمه است. بیایید و کعبه مقدس و قبر مطهر پیامبران را از چنگال ظالمان نجات دهید. شور و اشتیاق از خود نشان دهید. از قوت ایمان خود استفاده کنید و به بدی ها و مشکلات ناشی از حکومت استبدادی وهابیان خوارچ^۱ در حجاز بیندیشید. وقتش رسیده است که در راه خدا زندگی [کنید] و ثروت ارزشی نداشته باشد.

عسیر،^۲ به تاریخ پانزدهم شعبان ۱۳۵۱ قمری

امضا: محمد حسین

دبیر [ستاد] تبلیغات (همان ص ۵۲)

محرمانه

ترجمه آزاد بیانیه صادر شده به زبان عربی از جانب «هیئت الشورای ادریسی حجاز»^۳

جامعه مبارک ما به قوانین اسلامی پایبند است و از هر آنچه شریف و پسندیده

1. Kharji

2. Aseer

3. Haiat ul Shoorat i Idressia ul Hijazi

است، دفاع می‌کند. این جامعه کاملاً عاری از خیانت است و قادر به کشتن زنان و کودکان و ارتکاب جنایاتی مانند آن نیست. اما وهابی‌ها عادت به انجام اعمال ظالمانه دارند و با بی‌شرمی قوانین اسلامی و بین‌المللی را زیر پا می‌گذارند. همانطور که در بیانیهٔ ما به تاریخ ۲۶ رجب ۱۳۵۱ قمری ذکر شد، وهابی‌ها پس از تحمل شکست‌های پی‌درپی با ارتکاب اعمال بی‌شرمانه‌ای از قبیل بمباران، کشتار عمومی فارغ از سن و جنسیت و غیره خود را خوار و خفیف کردند. آنها به همین مقدار بسنده نکردند و با توطئه با محمدیچی بساحی،^۱ برده قبیلهٔ ادریسیه^۲ که خائن شده بود، صبیحا^۳ پایتخت عسیر^۴ را تصرف کردند و دستور کشتار عمومی دادند. پیرمردها، زنان، کودکان و حتی زنان باردار سلاخی شدند. اما به فضل الهی در درگیری که بین وهابیان و مجاهدین در ۲۷ و ۲۸ رجب روی داد، وهابیان کاملاً درهم شکستند و انبارهایشان به دست مجاهدین افتاد. خداوند منتقم است؛ از این رو آنها را مجازات کرد. آرامش و نظم در منطقهٔ آسیب‌دیده دوباره برقرار شد. ما این بیانیه را در اعتراض به جنایات وهابی‌ها برای آگاهی جهان اسلام از حقایق درست و واقعی صادر می‌کنیم.

شعبان ۱۳۵۱ قمری

امضا: علی الحسن

دبیر [ستاد] تبلیغات (همان، ص ۴۸)

1. Mohd. Yahya Basahi

2. Idressia tribe

3. Seebia

4. Aseer

براساس مکاتبه باقی مانده از این گروه نبرد میان مخالفان سعودی و دولت آل سعود حدود دو سال به طول انجامید. از آنجا که در این نبرد انگلستان برخلاف سیاست اعلام شده پیشین خود به حمایت اقتصادی و نظامی از آل سعود می پرداختند، در این نامه آمده است:

درخواست صادر شده به زبان عربی از جانب حزب الاحرار الحجازی^۱ به تاریخ ۲۰ و ۲۱ رجب ۱۳۵۱ قمری به بریتانیای کبیر از طریق حاکم عدن در اعتراض به پرواز شناسایی هواپیماهای انگلیسی پایگاه جهاد.

عالی جناب، [ناحیه] حجاز که با تکیه بر وعده های بریتانیای کبیر به جنگ کبیر (عالم گیر) پیوسته بود، در حال حاضر دست آورد ناچیزی نصیبش شده است. این نه با وفاداری اعراب سازگار است و نه با اجرای سنتی تعهدات دولت بریتانیا همخوانی دارد. این یک واقعیت است که مسلمانان به طور کلی و اعراب و متحدان شما به طور خاص از حکومت وهابی کنونی منزجر هستند. این دولت بد است که دولت بریتانیا را در چشم مسلمانان خوار جلوه داده است.

اکنون که جامعه احرار حجاز^۲ و سران ادريسيه^۳ برای بازپس گیری حقوق از دست رفته خود و حفظ آنها قیام کرده اند، این وظیفه اخلاقی دولت انگلیس بود که به احرار کمک کند یا دست کم از کمک به وهابیان که دشمنان بشریت، اسلام و غرب هستند خودداری کند.

1. Hizbul Ahrar ul Hijazi

2. Ahrar-i-Hejazi

3. Idreesia

از آنجایی که جهاد ما مستقل از هرگونه تأثیر خارجی است، جامعه به شدت اعتراض و عدم تأیید خود را نسبت به حضور هواپیماهای بریتانیایی بر فراز مقرهای مجاهدین اعلام می‌دارد. این مداخله از سوی دولت بریتانیا ممکن است موجب برانگیختن خشم تمامی جهان اسلام شود که باور دارد جهاد کنونی، به تصریح بیانیه ما به تاریخ ۵ رجب ۱۳۵۱ قمری، یک حرکت صرفاً مذهبی است. ما به نام جهان اسلام و به حرمت اماکن مقدس از جناب عالی استدعا داریم که از [دخالت در] این امور داخلی خودداری کنید. در غیر این صورت جهان اسلام به ناچار به این نتیجه خواهد رسید که دولت بریتانیا در امور دینی شان دخالت می‌کرده است. امیدواریم جناب عالی به دولت خود یادآور شوید که ما هم پیمانان و دوستان مورد اعتماد ایشان در دوران جنگ کبیر بوده ایم.

با تجدید تعارفات و بهترین آرزوها از سوی دوستان شما، اعضای هیئت الشورای حجازی (همان)

انقلابیون شمال یمن با توجه به سابقه اقدامات و اهتمامی که مسلمان هند به مسئله بقیع نشان داده بودند و نیز به روابط نزدیکی که مسلمانان هند با انگلستان داشتند، از هندیان خواستند (نجاتی، ۱۴۰۱، ص ۵۱) با تکیه بر روابط سابق و براساس پیمان نامه ای که با استناد به آن پنج سال پیش از ممانعت از تخریب قبور مقدس بقیع خودداری کرده بودند، از دخالت در نبرد میان آل سعود و مجاهدان شمال یمن خودداری کنند؛ چراکه این درگیری نیز نوعی با اهداف مذهبی بوده و انگلستان نباید در آن مداخله کند.

با اطلاع یافتن شیعیان هند از بیانیه مبارزان شمال یمن گردهمایی های بزرگی در مراکز شیعه نشین هند همچون جانیپور و سگرشکل گرفت و آنان با تأیید و تأکید

خواسته مبارزان شمال یمن از انگلستان خواستند هیچ دخالتی در این امر نکنند.

مصوبات این گردهمایی‌ها به این شرح است:

کپی قطعنامه شماره ۲

تصویب شده در جلسه انجمن «تحفظ مآثر متبرکه»^۱ که در محله قاضیاره^۲ به ریاست سید محمد طاهر (لیسانس علوم انسانی، لیسانس حقوق، وکیل در سیتاپور، اترپردیش) در ۸ شوال ۱۳۵۱ قمری / ۴ فوریه ۱۹۳۳ میلادی برگزار شده بود.

این جلسه به اتفاق آرا و قویاً از نخست وزیر بریتانیا و جناب نایب السلطنه هند درخواست می‌کند که مطابق سیاست اعلام شده توسط آقای مک دونالد در اول اکتبر ۱۹۲۴ میلادی در مجلس عوام در مورد امور حجاز و نجد، دولت بریتانیا باید قاطعانه در یک موضوع کاملاً اسلامی و مذهبی بی طرف بماند و نباید به ابن سعود برای تجهیزوی به نیروی دریایی یا نظامی یا تأمین تجهیزات جنگی کمک کند یا هرگونه کمکی از طرق دیگر به او نکند. از آنجایی که چنین اقدامی از سوی دولت بریتانیا احساسات مسلمانان هند را به شدت جریحه دار می‌کند و احساس شدید نسبت به دولت بریتانیا باعث ایجاد سوءظن در آنها می‌شود.

امضاء: محمد طاهر

به تاریخ ۵ فوریه ۱۹۳۳ میلادی. دبیر افتخاری انجمن «تحفظ مآثر متبرکه» سیتاپور. (همان، ص ۵۵)

1. Tahaffuz-i-Ma'asar Mutabarrikah

2. Mohalla Qaziara

تلگرام مورخ ۷ فوریه ۱۹۳۳ میلادی

از سید محمد شبر، مدرسه ناصریه،^۱ جونپور^۲ به عالی جناب نایب السلطنه، انجمن مسلمانان جونپور در گردهمایی عظیمی که در فوریه در مدرسه ناصریه تحت ریاست مولانا سید محمد شبر صاحب مجتهد برگزار شده بود، شرکت کردند و قطعنامه‌های ذیل را تصویب کردند که در آنها از دولت اعلیحضرت از طریق عالی جناب نایب السلطنه تقاضا شد که سیاست عدم مداخله در امور داخلی حجاز، که در سال ۱۹۲۴ میلادی از سوی سررمزی مک دونالد^۳ نخست وزیر اعلیحضرت اعلام شده بود، همچنان ادامه یابد و مضافاً دعا می‌کنیم که هیچ کمکی در قالب مردان جنگی مسلح یا پول به پادشاه حجاز در جنگ داخلی کنونی، که بین او و مجاهدین [ناحیه] عسیر^۴ در جریان است، داده نشود که هرگونه کمک به پادشاه حجاز احساسات مجاهدین هند را، که به طور سنتی به دولت بریتانیا وفادار هستند، جریحه دار می‌کند. کپی قطعنامه فوق‌الذکر به عالی جناب نایب السلطنه ارسال شده است. (همان، ص ۵۷)

گزیده‌ای از کپی قطعنامه تصویب شده در جلسه پرشمار شیعیان سگر^۵ که در تاریخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۳۰ میلادی به ریاست آغا حسن علی (لیسانس علوم انسانی،

1. Madrasa Nasiraya
2. Jaunpur
3. Ramsay MacDonald
4. Aseer
5. Sukkur

لیسانس حقوق، وکیل در شهر سگر) برگزار شد. (همان، ص ۵۵)

گزیده‌ای از قطعنامه‌های تصویب شده از قطعنامه‌ای که در جلسه شیعیان تلهار^۱ به ریاست انجمن امامیه سند^۲ در حیدرآباد^۳ برگزار شده بود. اعضای این جلسه به نمایندگی شیعیان سراسر سند این قطعنامه را صادر نموده‌اند، مصوبات زیر را در آنجا به تصویب رسانده است، مانیز به عنوان تابعین جامعه فوق که شیعیان سند را سرپرستی می‌کند، همین کار را انجام می‌دهیم.

این جلسه از عالی جناب نایب السلطنه تقاضا دارد: لطف بفرمایند از نفوذ خود با دولت انگلیس برای اقدامات لازم جهت ترغیب ابن سعود، پادشاه حجاز، به بازسازی عتبات عالیات و بقاع متبرکه جنت البقیع^۴ که توسط او تخریب شده‌اند، استفاده نمایند. (نجاتی، ۱۴۰۱، ص ۵۷)

خواسته این جمعیت‌ها به وسیله مولانا سید محمد شبر صاحب مجتهد، مدرسه ناصریه، در جونپور و سید محمد طاهر، لیسانس حقوق، دبیر افتخاری انجمن «تحفظ مآثر متبرکه»، در سیتاپور به نماینده انگلستان ابلاغ شد. (نجاتی، ۱۴۰۱، ص ۶۳)

آخرین سند این مجموعه نیز نشان می‌دهد که مبارزان یمنی علاوه بر حاکم عدن، خواسته خود را مبنی بر عدم مداخله انگلستان در این نبرد، به صورت مستقیم نیز با انگلستان طرح کردند.. (نجاتی، ۱۴۰۱، ص ۷۲)

هرچند هیچ‌کدام از این خواسته‌ها با وجود احترامی که کارگزار انگلستان به

1. Talhar

۲. «سند» پس از سال ۱۹۴۷ میلادی بخشی از کشور پاکستان است.

۳. «حیدرآباد» پس از سال ۱۹۴۷ میلادی بخشی از کشور پاکستان است.

4. Janatul-Bakia

نویسندگان آن ابراز می‌کرد و خود را مطیع‌ترین فرمانبردار آنان می‌خواند. (نجاتی، ۱۴۰۱، ص ۶۶)، به سرانجام نرسید و نایب السلطنه انگلستان در هند با آن موافقت و همراهی نکرد، ولی از اظهار نظرهای کارشناس دفتر نیابت سلطه انگلستان که در برخی از این اسناد برجای مانده می‌توان دریافت که انگلستان با مطالعه این مکاتبات به این نتیجه رسید که از نظر مسلمانان هند به هیچ وجه ابن سعود جانشین خلیفه به شمار نمی‌رود و توصیه شده که این نکته ای است که سی. او. آلفرد ریکنکی باید به آن بیاندیشد. (همان، ص ۶۹)

نکته دیگر سردرگمی این فرد از دریافت مفهوم جهاد است که در نامه یمینان به انگلستان آمده و آن را به منطقه ای در جده تفسیر کرده است. (همان، ص ۷۰)

نتیجه‌گیری

مجموعه اسناد مکاتبات جمعیت‌های شیعه در هند که جدیداً در فضای مجازی یافت شده حاوی هفده سند از آرشیو نیابت سلطنت انگلستان در هند است که در دوزمینه است:

۱. تقاضای بازسازی بقاع متبرکه حرمین شریفین، به ویژه بقاع ائمه بقیع، و آزادی اعمال عبادی شیعیان؛

۲. تقاضای عدم مداخله انگلستان در منازعات میان مجاهدان شمال یمن (شامل حزب احرار حجاز و هیئت الشورای ادریسیه) و آل سعود.

بررسی این اسناد سرنخ‌های مهمی در راستای پی بردن به تلاش‌های این دو گروه برای بازسازی بقاع متبرک حرمین، به ویژه جنت البقیع، است که به دلیل حمایت دولت انگلستان از سعودی و به بهانه عدم مداخله در منازعات مذهبی بی‌نتیجه ماند.

منابع:

۱. احمدی، علی، مجموعه اسناد تخریب بقیع ۱؛ پژوهشکده حج و زیارت.
۲. نجاتی، محمد سعید، مجموعه اسناد تخریب بقیع ۳؛ پژوهشکده حج و زیارت.
۳. إبراهيم، فاعور الشرعة، حزب الأحرار الحجازی ودوره السیاسی بین عامی، (۱۹۲۸-۱۹۳۵)